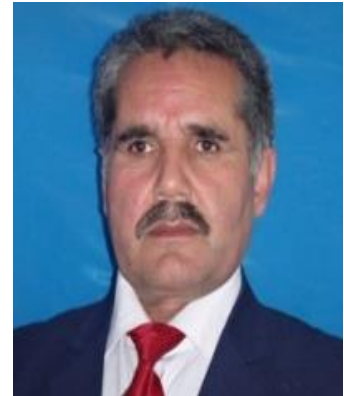


به تعویق افتادن انتخابات پارلمانی در افغانستان، فرصت مناسبی برای تفکر عمیق در رابطه به انتخاب درست و بهتر نماینده برای (ولسی جرگه) پارلمان

نوشته: گل نظر فرهاد



۲۶ اپریل ۲۰۱۵

با یاد خدا (ج) کلام آغاز کنم با مردم خویش یکدمی راز کنم
ای ملت رنجدیده یکبار شنو از بهر شماسست، بلند آواز کنم

نوشته هذا را به تعقیب نوشته قبلی ام (طرحی بر معرفی یک نماینده از ولسوالی های سرحدی (شغنان، اشکاشم، زیباک و واخان) بدخشان به ولسی جرگه) پارلمان افغانستان خدمت هم میهنان عزیز، گرامی و شرافتمندم تقدیم میدارم، امیدوارم که مورد مطالعه شان قرار گرفته و مسئولیت خطیر تاریخی خویش را در قبال روند سیاسی آینده خویش ادا نمایند.

من اینک متعهد شده هم که به هر قیمتی در امر احراز جایگاه مردم در دامن دولت (توسط من باشد و یا یکی از همدیاران دیگر) مبارزه نمایم، دیده ام و میبینم که عناصری، با زرنگی همیشگی شان چگونه تلاش آنها دارند که مردم را از حق شان بدور نگهدارند! گاهی ما را منحیت قهرمانان تعریف مینمایند، گاهی با تعریف از سواد، فرهنگ، نمیدانم چی و چی مان، ما را غافل می سازند و کوشش دارند که با این تعاریف میان تهی ما را خرسند سازند اما در عمل دیده شده است که اینهمه جز فریب چیز دیگری نبوده است.

آنانیکه بشمول رهبران بلند پایه دولت، از ما، فرهنگ ما و قهرمانی ما تعریف نموده اند، ما یکبار هم از خود نپرسیدیم که اگر از چنین اهلیت و شایستگی برخوردار بوده

ایم، پس چرا در دامن دولت بجز مقامهای پسیف و بیکیفایت از یک موقف درستتری برخوردار نیستیم؟ از تعریف کننده گان خود هم جویا نشده ایم و از ایشان نپرسیده ایم که امتیاز ما از این توانمندی ایکه شما در وجود مردم مادیده و از آن تعریف میمنائید، تا کنون چه بوده است؟ برعکس فقط به این تعاریف خوشبینانه نگریسته و به این قانع استیم که فلان مقام دولت از طریق تلویزیون، از مردم ما نام گرفت و در مورد ما چنین و چنان گفت!

دیگر بس است، نمیخواهیم گوشهای مان با سخنان و تعاریف میان تهی کر شوند، نمیخواهیم سیاسیون فریبکار از مردم ما سود سیاسی ببرند. اگر اشتباه نکرده باشم، چند دهه است که چنین سود جویی سیاسی از مردم ما صورت گرفته و عناصر مکار سیاسی بدون اینکه کوچکترین امتیازی را بمردم بیچاره ما قایل شوند، خود را با آراء ما به مقامها رسانده اند، حال زمان آن فرا رسیده است که بخود آییم، خود، سرنوشت مانرا بدست بگیریم، خود تعریفگر خود شویم و خود جایگاه مانرا در نقاط مختلف دولت احراز نماییم، شاید این غیر ممکن به نظر آید اما هیچگاهی هم غیر ممکن نیست!

هرچند کسانی هم در میان ما وجود دارند که قبل از اقدام به مبارزه برای حق طلبی، علی الفور نتیجه آن را منفی گرایانه به تحلیل میگیرند و با ادعای اینکه از پدر- پدر سیاستمدار بوده اند، همواره با سخنان نومید کننده شان بر امید مردم ما خاک سیاه میپاشند و بصورت متداوم، منافع خود را در افتراق و پریشانی مردم ما جستجو مینمایند، اگر در رابطه یک کار خیر بمنافع مردم با ایشان مشوره نمائی، بیدرنگ جواب میدهند که اینکار نمیشود، این ممکن نیست، این مردم چیزی را نمیداند و ازین قبیل سخنان دیگر، در حالیکه همه میدانیم که اگر این عالی جنبان اینک دارای مقام و موقفی اند و خود را شایسته جایگاهی میدانند، همه این از برکت همان مردمی است که بفکر ایشان ساده و یا نادانند!

صرف نظر از موجودیت چنین افراد در دامن مردم ما، من شخصاً معتقد با اینم که سیاست و مبارزه منحصر به افراد انگشت شمار نبوده و نیست، مردم هم در گرو هیچ سیاستمدار دروغینی بوده نمیتواند، یقین دارم که چندین دهه است که مردم ما سیاسیون خود را به آزمایش گرفته اند، فریب دادن این مردم اینک غیرممکن است،

آن مردمی را که ما هیچ میپنداریم، حالا نسبت بما سیاستمدار تر و هوشیار تر اند. ما هنوز در زندان افکار خود زندانی هستیم اما این مردم دروازهٔ این زندان را شکسته اند، آنان مستقلانه تصمیم خواهند گرفته و مستقلانه بسوی هدف به پیش خواهند تاخت اما چیزی از خود کامگی نصیب مان خواهد شد که (همانگونه که بمراتب در نصیب مان بوده)، جز پشیمانی چیز دیگری نخواهد بود.

هم میهنان گرامی!

در رابطه به راه یافتن یک نماینده از جانب شما به پارلمان افغانستان، در نوشتهٔ قبلی ام بصورت واضح اشاراتی داشتم و تاکنون بر همان اشاراتم معتقدم و بر عملی شدن همان راهکار مبارزه نموده و بشما مردم شریف نیز حمایت از آنرا تأکید مینمایم. طرح من در رابطه به راه یافتن یک نفر کاندید به پارلمان افغانستان، همان طرح است و تغییری در آن نخواهد آمد و اینک، من با اصل تعهد به برآورده ساختن آرمان مردم که همانا داشتن یک نماینده در پارلمان افغانستان است، اقدام به این امر نموده هم و شعار من رساندن یک نماینده از جانب مردم به پارلمان افغانستان است و برایم مهم نیست که این نماینده کی، از کجا، بچه کی و از کدام تشکل یا گروه سیاسی است؟ برایم مهم این است که این نماینده آواز مردم در عالیتترین مرجع قانونگذاری کشور (پارلمان) باشد.

نوشته ایرا که قبلاً من حیث طرح معرفی نماینده به پارلمان کشور ترتیب داده بودم، تقریباً مورد مطالعهٔ عدهٔ کثیری از هم میهنانم قرار گرفته و نظریاتی را هم دریافت نموده ام. اکثریت مطلق مطالعه کننده گان، این طرح را یک طرح مثبت دانسته و آنرا یگانه راه بیرون رفت از بن بست سیاسی محیط ما دانسته اند و در ضمن، بوده اند عدهٔ معدودی هم که عملکرد برآن را غیر ممکن دانسته اند و این عده آن کسانی اند که منافع مردم اصلاً برایشان مفهومی نداشته و ندارد و دایم در پی منافع موقتی شان سرگردان بوده و با هر راه حل، حتماً یک مشکل دارند.

استند دوستانی هم که بدون در نظر داشت قانون انتخابات، پیشدستی نموده و از قبل کار زار انتخاباتی شانرا آغازگر شدند و یقین دارم که حد اقل نتیجهٔ مطلوبی را هم از فعالیت شان نگرفتند زیرا مردم همه خواهان یک اجماع عمومی در مورد انتخابات است و به خواست مردم باید احترام نمود.

حال که طبق پیشبینی های قبلی، بگمان اغلب انتخابات پارلمانی افغانستان حد اقل برای مدت یکسال دیگر به تعویق افتاده است، به نظر بنده زمان کافی و خوبی برای تفکر عمیق به مردم در امر انتخاب نماینده شان می باشد و فکر میکنم که کاندیدان محترم هم فرصت خوبی دارند که از این مدت زمان استفاده اعظمی نموده، با مراجعه به یکدیگر، با گوش دادن به یکدیگر و نهایتاً با مراجعه به مردم، جایگاه شانرا تثبیت نمایند، (یعنی باید قبول نمایند که موفقیت یکی از ایشان موفقیت همه شان است).

بنده ضمن تحریر این صفحه، از همه آنانیکه علاقه مند خدمت به مردم از طریق اشتراک در انتخابات و راه یافتن به ولسی جرگه افغانستان اند، دعوت مینمایم که: بیایید با درک این واقعیت که موفقیت در انتخابات و راه یافتن به ولسی جرگه افغانستان در اصرار چند نفر کاندید برای ادامه مبارزه انتخاباتی امکان پذیر نبوده و تنها از راه تفاهم میان کاندیدان بر یک اصل همدیگر پذیری و دادن صلاحیت به مردم در امر تعیین یک کاندید برای رفتن به پارلمان موفقیت صد در صدی را در قبال خواهد داشت، قبل از رفتن به پروسه های رسمی انتخابات، نشستی را با هم انجام داده و با توافق صادقانه بر همین اصل به آراء ابتدائی مردم مان مراجعه نماییم.

باچنین عمل صادقانه و عاقلانه خود از یک طرف، رفتن یک هموطن خود را به پارلمان کشور تضمین نموده از طرف دیگر فرهنگ از خود گذری را به آینده گان به میراث گذاشته و از جانی هم سد راه نفوذ سیاسیون نیرنگ باز در میان مردم خود گردیم! بیائید امیدوارم باشیم، بیائید به مردم خود اعتماد نماییم، بیائید یکبار سرنوشت این مردم را بدست خودشان بگذاریم، بیایید تجربه نماییم که این مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود چقدر توانمندی دارد، بیایید بپذیریم که این مردم در انتخاب خود نسبت بما دقیق تر است و بالاخره بیائید با تأکید بدون هدف استراتژیک بر انتخابات، باعث فروپاشی مردم نگردیده بلکه با پلان هدفمند، مردم خود را برای انتخابات منسجم سازیم.

هم دیاران عزیز! هرچند احساسات سیاسی بی آرایش شما را درک میکنم، میدانم که شما هم در امر راه یافتن یک نماینده تان به پارلمان، نسبت بما بیشترین علاقه مندی را دارید اما این ما هستیم که در این راستا شما را در دو راه قرار داده ایم! این

ما هستیم که نمیگذاریم شما در این امر سترگ سیاسی بصورت واحد تصمیم بگیرید! من بصورت بسیار ساده برای شما یاد آور میشوم که فقط به یک نکته توجه نمائید که اگر کاندیدان متعددی برای تداوم مبارزات انتخاباتی پافشاری نمایند و شاید هم این پافشاری شان اهداف دیگری را بغیر رفتن به پارلمان نیز در قبال داشته باشند، ناکامی همه شان صد فیصد است! حال نکته قابل دقت این است که این برادران بعد ناکامی شان بر میگردند به وظایفیکه اینک دارند و برای شان فرق نمیکند که ناکام ماندند اما سرنوشت شما چه خواهد شد؟ ناکامی کاندیدان من حیث افراد، کدام اهمیتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، ناکامی شما و خالی ماندن جایگاه شما برای پنج سال دیگر در ولسی جرگه افغانستان میباشد! پس در امر انتخاب نامزد یا کاندید مورد نظر تان جدی باشید، روی افراد را نبینید بلکه منافع علیای خود و آینده خود را مد نظر داشته باشید. میدانم که هریک از کاندیدان محترم اولاد شما و نور دیده گان شما اند، با هیچیکی اغراض شخصی ندارید و دوست دارید که همه اولاد های با کمال شما صاحب مقام و منزلت بزرگی باشند اما منوال چنین است که نمیتوان اولاد های تان را بصورت گروهی به مقامی برسانید، پس تصمیم با شماست، میان موفقیت و عدم موفقیت، انتخاب با شماست! همه کاندیدان محترم که طبیعتاً اولاد های شما اند را دوست داشته باشید اما از میان شان یکی را انتخاب نمائید که رمز موفقیت در چنین یک انتخاب است.

همانگونه که گفته شده «زور مردم، زور خدا است»، این گفتار ساده ای نیست، یکبار این زور و توانمندی تان را بیآزمایید، نگذارید که سرنوشت شما با خود سری های غیر مسئولانه افراد به باد فنا برود، فکر نکنید که ناکامی و عدم موفقیت تقدیر و سرنوشت دایمی شماست! فکر نکنید که از روز ازل باید چنین سرنوشت در تقدیر تان نوشته شده باشد! اگر نویسندۀ تقدیر بنده، خداوند (ج) است، آن ذات بی همتا بصراحت در کلام مقدسش فرموده است که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمِهِ حَتَّىٰ يُغَيِّرُ مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، یعنی اختیار تعیین سرنوشت شما از جانب خداوند (ج) هم به خود شما سپرده شده است، پس بر شماست که با تصمیم گیری واحد و متحدانه دریچه موفقیت را گشوده و با پیمودن راه پرمسئولیت سیاسی و انسانی تان (پروسة انتخابات)، به آرمان دیرینه تان که همانا احراز جایگاه تان در پارلمان است، برسید.

تأکیدم در مورد انتخاب فرد بخصوصی نیست، حتی اگر بالفرض یکی از کاندیدان من هم باشم، نمیخواهم بگویم که از من حمایت نمایید، شخصیت های خود را شما بهتر میشناسید، برای من که مدت زمانی احساس نموده هم که مردم بیچاره هم از هر طرف بصورت آگاهانه مورد تحریم قرار گرفته است و نخبه گان دیارم را از حقوق اصلی شان محروم میبینم و در یافته هم که مدافعی در دامن دولت نداریم، مهم است که دست بدست هم بدهید و با پشتیبانی بیدریغ تان، یک نماینده تانرا به پارلمان معرفی نمایید، من یقین دارم که در صورت راه یافتن به پارلمان کشور، هر فرد از میان ما میتواند با اتکا مداوم بر نیروی شما مدافع حقوق ما و شما در دامن دولت باشد، برای معرفی فرد قابل قبول تان به پارلمان جدی باشید، خود بینی و خود پسندی را برای یکبار کنار بگذارید، حتی اگر کاندیدان محترم بنا به عدم حمایت تان از اوشان، موقتاً از شما ناراض هم شوند تفاوتی ندارد، آنان بالاخره خواهند دانست (هرچند از همین حالا میدانند) که منافع مردم بر منافع آنان اولویت دارد و نباید قربانی افراد گردد و من در اخیر و شاید هم بمراتب این شعار خود را تکرار خواهم نمود که: موفقیت یک کاندید در انتخابات، موفقیت تمام کاندیدان و موفقیت مردم ما است و ناکامی همه کاندیدان، ناکامی مردم ما خواهد بود.

از فرصتی که پیش آمده استفاده نمایید، به تعویق افتیدن انتخابات شانس بزرگی است برای تفکر عمیق در امر تعیین نماینده تان برای پارلمان افغانستان، این شانس را از دست ندهید!

یک سخن آخری برای سیاسیون و جوانان دیارم: باید بپذیریم که پیشگام سازماندهی مردمان بیچاره ما در امر تعیین سرنوشت شان شمائید، پس با درک مسئولیت ایمانی و وجدانی تان با گرفتن درس عبرت از گذشته، این مردم را بسوی اتحاد و همدلی رهنمون گردید، تصمیم گیری واحد شما، ضامن موفقیت همه ما و شماست.

با حرمت عمیق قلبی

گل نظر «فرهاد»

اشکاشم. مورخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۵م